

خطی، فهرست شده  
۳۵۴۳  
موسسه

۸۵ - ۸۴  
کتابخانه

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۴۰۲۱

۶۹۷۷

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مرآة درویش خوان

مؤلف

موضوع

شماره ثبت کتاب

۷۴۱۷۱

۹۸۱۲

شماره قفسه ۵۴۴

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۲۵۴۲



۸۵ - ۸۴  
بازرسی شد

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱
- ۱۲
- ۱۳
- ۱۴
- ۱۵
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸
- ۱۹
- ۲۰
- ۲۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۴۰۳۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: مرقه در فضیلت خاندان

مؤلف: .....  
موضوع: .....  
شماره ثبت کتاب: ۷۴۱۷۱  
شماره قفسه: ۹۸۱۲

بازدید شد  
۱۳۸۲

شماره ثبت کتاب: ۲۵۴۳

۸۸ - ۸۷  
بازرسی شد

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۶۹۷۷

۴۰۳۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: کتاب در علم و روشه خوان

مؤلف: \_\_\_\_\_

موضوع: \_\_\_\_\_

شماره ثبت کتاب: \_\_\_\_\_

شماره قفسه: ۵۴۵

۷۲۱۷۱

۹۸۱۲

sh

بازدید شد  
۱۳۸۲

شماره فهرست شده: \_\_\_\_\_  
۲۵۴۲

۱۵۲

۴۸

۵۹۷۱  
۵

مکتب

مکتب

۲



بسم الله تعالى  
ارحمه الله  
محمد بن عبد الله  
الحمد لله

١٠

مكتبة

مكتبة



مؤظف و ضمه خوانند مبارکه ابر حسیه دار الامان کریم روزا نجایی  
بنای خشیه شمس محمد مؤظف اسم الله الرحمن الرحیم المؤظف ۱۳۱۹

تر جفا ارایه کریم و میفرماید و لا تنفع الزفاعة عند الله انیت نفی  
میکنند شفاعت و دفع خداوند عالم را که از قبول میکند خداوند عالم از او داده است  
بعوا و عرفی که ام سابقا و معز ایام کریمه احد من مدعی ای فقره  
مربوط با یسائی باشد یعنی از این میفرماید قل ادعوا الله فی حقهم من  
حده الله یملكون شفاعت فرقة السموات والارض و الله هم  
و شرک و عالمه هم غیر حق که ام در معز ایام کریمه و خداوند عالم  
جلت عن شرک و یوحده میفرماید و بار و در الله یملک میفرماید که  
از غیر بجز ذات شرک و برخوا نید شاعت بطبیعه از له خدا یا نیکم سید  
و بار الله بر و زنده گرفته خبر از خدا یا نیکم بهیمنه برینا و شفاعت  
شاه بر او اند اوقت مثل اسم الله اقامه بران میفرماید بر اینکه الله جل  
و علینا اند زرع و جلست شاه یکنه میفرماید بر بقدر زرع و وزن درگاه  
وزیری اینها مالک هیچ نیستند به اینها این احسان میکند شاه بر سید یا بر و زرع  
بر دفع گرفته بهیچ از اینها بقدر زرع و درگاه و زمین و انداز میگوید  
ملک جهان و زمین مخصوص خداست و هیچکس از انیت که خداوند عالم مالک  
بالاستقلال نیست سعادست بر شرک خدا میگویند نیستند فقره اول فقره  
میفرماید بالاستقلال غیر مالک نیستند اینها نه یک سعاد درگاه مثل

مالک بسته شد یک قطعه در زمین هر چه می خردست در نقره و سیم می فروخت و  
شریک خداوند هم نیستند در اسامه و زمینی نه اینکه هم چنین به پندارند و اگر  
مالک یا استقلال نیستند گشت و داشت باشند گشتند نه از ادب انهم  
و مالک منهم و من ظهور یو قوت است یک کس مالک ملک نیست بلکه این ملک و مالک تو  
شک مالک حق است ملک را از اینها سر می فروخت اینها بر خود کار میکنند  
عبارت است شلایند و یوسف کار با یک ملک بود و حق است یکبار در انعام  
نیت خدا و از اینجاست که مالک یا در ولایت بند هم می فروختست معافیم  
نفره است نه اینکه در خریدن خدا و مال را بخردند بکنند عجز باشد و یا بسته  
و الا که بخت آید اینک بکاران و الا که چنین نیت بود می فروخت و دفع  
ان رفعا عتده و بقتل اینک در وطن یا بسته است هر چه بود و یوسف از نیت  
پرستان چنین کاران شد و شفع می کنند در نقره و در مال و انما شد اینک  
قریش است بر کعبه و مال و نقره و ملک گرفته و از اینها شفعان  
ما بسته شد اینک این کس را در نیت می بسته نه اینکه در نیت خود را  
می کند و می کند از نیت است نه و کار می کند اینها را با نیت  
است ملک بود و نیت پس نیت بود و نیت پس از اینجاست  
هر چه روشن است انوار بود و نیت یکبار از نیت بود و الطیر می کند  
انسان و طیر می کند حالا از باب اینده همیشه و شش در بافت نیت  
بما غیر سید آخر او گفت و انشور و سید گرفته ام چنین قریش گرفته







اینست که بیا در شفاعت حضرت سید الشهدا علیه السلام بکنیم بقدریکه میسر است  
 بجهت اینکه مطهر بسیار بزرگ است از شفاعت حضرت سید الشهدا علیه السلام بسیار  
 خطیر است مطلقا از شفاعت بسیار بزرگ است بسیار خطیر است شفاعت  
 شفاعت پیغمبر و ائمه در کتب بجهت اینکه این امر شفاعت یک از شفاعت است  
 امت و اهل بیت و سفیر پیغمبر و پیغمبر و ائمه دعا در حق خود کند  
 کار دعا در حق خود کند آنرا در دنیا هر که دعا کند که آن دعا کار دعا  
 انداخته آن دعا و کتب پیغمبر و ائمه در حق خود دعا و غیره که دعا شفاعت  
 از پیغمبر و ائمه و پیغمبر و ائمه شفاعت بود و شفاعت دعا شفاعت  
 قیامت و پیغمبر و ائمه شفاعت در حق خود است با هر یک از پیغمبر و ائمه  
 است اینست که در حدیث دیگر پیغمبر و ائمه شفاعت کبریا کند  
 آن دعا شفاعت دعا آن دعا شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا  
 نیست که کار دعا دعا شفاعت اینست که اگر دعا دعا شفاعت دعا  
 قیامت دعا شفاعت دعا دعا شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا  
 بروند پیغمبر و ائمه از زمان شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا  
 چه قدر پیغمبر و ائمه شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا  
 بر موصی است از این مقدمه دعا شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا  
 یلوقق این دعا که دعا شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا  
 دعا شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا

بر موصی

بر موصی فدای شفاعت مطلقا بسیار خطیر است فدای شفاعت پیغمبر و ائمه  
 در حدیث بسیار بسیار بزرگ است از شفاعت دعا شفاعت دعا شفاعت دعا  
 مسلم است در حدیث دعا و دعا در دنیا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 جهنم باشد امر دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 کشته خدا یا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 نگاه میکند چشمی دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 و دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 این دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 مؤمن و مؤمن دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 و دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 بالا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 چند دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 بزرگ دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 بحال دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
اشهد ان لا اله الا الله تعالی و لا نعبد الا الله تعالی و لا نعبد الا الله تعالی  
 از دست و زبان او یا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا  
 بگوید از دست و زبان او یا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا دعا

ان حالات از نفس بزرگ بعد از انکه بعد از مؤذن بلند شد در کلاس نشاند  
ان قدر انکه اگر کسی است که کوشش فرشته و لوسطه را روی بانه  
سلطان تعلیم باشد همه کی کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
کوشش و اندک بیشتر بلامت ایستاد از غایت غایت و در ده مان و ده مان  
در دار از پیش منکر از فرجه خبر دارم هر کدام در حدیث منکر است و در حدیث  
هر کدام بلامت از من است پس فرشته بزرگ او انسانی دعا از او دارم از صبح بر سر  
تا شب فرشته بود در فرجه و در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث  
و او میگوید و دقیقه ای که میگوید و فرشته میگوید و فرشته میگوید  
سر و اندک از حدیث و کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
عاشق فرشته از انظر فرشته منکر و فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
با فرشته عذاب عالم صاحب کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
میگوید و فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
یک کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
اصول کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
میگوید و فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
ان که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
و چنانکه است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته

محمدرضا فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
موقوفه که از زمانا است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
شاید فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
ایستاد و اندک بیشتر بلامت ایستاد از غایت غایت و در ده مان و ده مان  
در دار از پیش منکر از فرجه خبر دارم هر کدام در حدیث منکر است و در حدیث  
هر کدام بلامت از من است پس فرشته بزرگ او انسانی دعا از او دارم از صبح بر سر  
تا شب فرشته بود در فرجه و در حدیث و در حدیث و در حدیث و در حدیث  
و او میگوید و دقیقه ای که میگوید و فرشته میگوید و فرشته میگوید  
سر و اندک از حدیث و کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
عاشق فرشته از انظر فرشته منکر و فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
با فرشته عذاب عالم صاحب کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
میگوید و فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
یک کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
اصول کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
میگوید و فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
ان که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته  
و چنانکه است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته بزرگ است که کوشش فرشته

چهارم





[illegible]

92,

[illegible]





























[illegible]

























خلق است و قتیله حقیقه تو کمتر از سایر شمره از چه از تو کمتر  
 است و بالذکر از این میفرمود بزرگوار از این حقیقه که سر نرفته اند  
 از هم است بلکه نفسانی بر هیوان و تقدیم داد و هم  
 موقت نیست از حیوان بالذکر است حیوان که از گیاه بالاتر  
 است از این به بالا تر است هم صفات حیوان از نبات  
 بالاتر است هم صفات حیوان از این به بالا تر است  
 این نبات را از این بالاتر است هم صفات از حیوان بالاتر  
 هم صفات و تفکیک نبات حقیقت پیغمبر پس جمیع کائنات  
 پس هم صفات پس از جمیع کائنات مخلوق خلافتی است پس از  
 اخلاق هم کائنات مخلوق کائنات پس از اخلاق جمیع کائنات  
 اینست و خدا را حقیقت خلق پیغمبر و عظیم شمره و حیوان  
 چه قدر بزرگ است چه قدر خدا را عظمی بکنند بیان چه قدر  
 بزرگ است پیغمبر را از این خلق عظیم از پیغمبر خلق تو  
 خلق پیغمبر است خلق بزرگ است پس چه قدر خلق پیغمبر  
 تر است از این خلق خلق پیغمبر و جمیع حالات است بیان  
 مردم خلق خلق پیغمبر بالاتر است و از پیغمبر خلق  
 است پیغمبر از این پیغمبر بزرگتر و خدا را عظمی و بزرگوار  
 خلق خلق است باید خلق است پیغمبر عظیم است و پیغمبر است  
 بزرگوار

و کبر و دفع هم چنان نیست خلق پیغمبر خلق تو خلق پیغمبر  
 خلق کسی پس پیغمبر و خدا عظمی که در فرموده است خلق عظیم  
 خلق تو از پیغمبر بزرگ است پس خلق تو پیغمبر است  
 و فرموده است خدا را عظمی و خاتم النبیین که از خدا است و خاتم  
 و خاتم نبی و خاتم پیغمبر پس پیغمبر است پس از جمیع انبیاء  
 بالاتر است و از جمیع خلق پیغمبر دارد است خاتم تو بر همه انبیاء  
 فضیله داده است و از شرف و کرامت غیر از خود خلق عظیم هم  
 فضیلت دارد و خدا هم خلق پیغمبر پس از جمیع کائنات  
 بزرگ است و چه قدر بزرگ است خدا را و خدا را عظمی شمره  
 است و از خود خلق کسی بزرگتر و از خود عظیم است پس نیست  
 جمیع کائنات و عظمی پیغمبر بالاتر است از پیغمبر خلق عظیم  
 و اینست خلق عظیم و اینست پس از این بالاتر است  
 و الی آخر که از او هستند فرق میان این نیست نورانی  
 از نور پیغمبر است شهداء را و احکام و نور که طینت داده و طاب  
 و طهارت بعضی را و بعضی شهداء است بعد از نور و طهارت  
 همه یک است همه بعضی از بعضی است پس جمیع فرق نمیکند  
 پیغمبر را از انانیت و از طهارت و از انانیت و طهارت و از جمیع  
 میان شرف داده است پیغمبر را و عظمی و الله عظیم است



حضرت سید الشهدا ابوالفتح حضرت سلوک میگردانند اولاد و اولاد  
از هم سلوک میگردانند و در مقام صیقل و صیقلیت میگردانند و در

57













